

استاد محمد جواد نظافت، عضو شورای عالی حوزه علمیه مشهد در گفت‌و‌گو با خراسان تبیین کرد

«نهی از منکر» آری، «نفرت پراکنی» هرگز

منطق اسلام با تکلیف‌گرایی بدون توجه به نتیجه هم‌خوانی ندارد

برای شناخت «معروف» و «منکر»، هیئت‌های مذهبی باید قرآنی شوند

جواد نوانیان رودسری – امر به معروف و نهی از منکر، فریضه‌ای ثابت و غیر قابل تغییر در آموزه‌های اسلامی است؛ فریضه‌ای که باید آن را، اساس و قوام حیات جامعه اسلامی بدانیم. با این حال، در انجام این فریضه بزرگ الهی، گاه اعمال سلیقه‌ها و برخی رفتارهای نامتعارف، اسباب نقد و حتی هتک حرمت نسبت به اصل و اساس آن را فراهم می‌کند. واقعه‌ای که به «ماست‌پاشی» معروف شد و برای رسانه‌های معاند خوراک تبلیغاتی گسترده‌ای فراهم کرد، نمونه‌ای از این اعمال سلیقه‌های نامتعارف و ناپجا بود؛ اعمال سلیقه‌ای که فرجام ناخوشایندی در پی داشت. وقوع این رویداد، ضرورت بازخوانی مبانی امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و توجه به نکات مهم و اساسی مربوط به آن را برای همه مؤمنان به‌شرع انور، نشان داد. به همین دلیل، در گفت‌وگو با هجت‌الاسلام والمسلمین محمد جواد نظافت، عضو شورای عالی حوزه علمیه مشهد و استاد برجسته اخلاق، به‌مرور این مبانی و نکات پرداختیم؛ گفت‌وگویی صریح که برای پیوستگی مطالب، از انتشار سوالات آن صرف نظر کردیم. آن‌چه در ادامه می‌خوانید، مشروح پاسخ‌های استاد نظافت به پرسش‌های خراسان است.

۶۶

توجه به قرآن می‌تواند تا حد زیادی

مشکل شناخت مفهوم «معروف»

و «منکر» را برطرف کند. یکی از

آسیب‌های هیئت‌های مذهب ما

همین است؛ مادر جلسه‌های قرآن

چنین آسیب‌هایی را کمتر می‌بینیم.

در هیئت‌ها آن‌چه غلبه دار احساس

است. باید بچه هیئتی‌های قرآنی یا

قرآنی‌های هیئتی داشته‌باشیم و به این

مسئله، توجه کنیم. بنابر این باید برای

ارشاد و تعلیم و شناساندن معروف‌ها،

از جمله حجاب، تلاش کرد و آن را به

عنوان معروف جانداخت

۶۶

بحثی پیچیده در میان برخی مذهبی‌ها وجود دارد که می‌گویند ماتکلیف‌گرا هستیم و به نتیجه کاری نداریم. اما نظر اسلام این نیست.

اتفاقا اسلام می‌گوید نتیجه‌گرا باش،

اما اگر باتدبیر در ست پیش رفتی و به

نتیجه نرسی، دلت قرص و محکم

باشد که تو، به تکلیف عمل کرده‌ای.

اما وقتی که قرار است به تکلیف عمل

کنی، بدون تدبیر و تفکر در نتیجه، اصلاً

نمی‌شود، نمی‌توانی؛ مثلاً در صحنه

نبرد، همین جوری بزنی به خط و بعد

بگویی به تکلیف عمل می‌کنی! این که

نمی‌شود



خودش عمل می‌کند و می‌شود امام خودش! بخشی از مصیبت امروز جامعه ما همین است؛ این که همه از یک تعریف پیروی نمی‌کنند و تازه برخی از آن‌هایی هم که فکر می‌کنند مثلاً امر به معروف و ناهی از منکر هستند، تعریف دقیق و درستی از معروف و منکر ندارند و خودشان در دسر ساز هستند و مشکل آفرین. توجه به قرآن می‌تواند تا حد زیادی این مشکل را برطرف کند. یکی از آسیب‌های هیئت‌های مذهب ما همین است؛ ما در جلسه‌های قرآن چنین آسیب‌هایی را کمتر می‌بینیم. در هیئت‌ها آن‌چه غلبه دار احساس است. باید بچه هیئتی‌های قرآنی یا قرآنی‌های هیئتی داشته‌باشیم و به این مسئله، توجه کنیم. بنابر این باید برای ارشاد و تعلیم و شناساندن معروف‌ها، از جمله حجاب، تلاش کرد و آن را به عنوان معروف جانداخت.

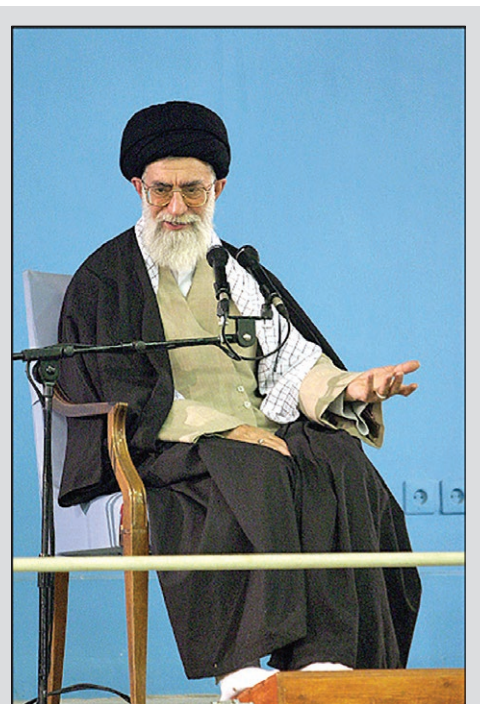
نکته دوم: در دسر «معروف ناشناسان»

یکی از موانعی که بر سر راه انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد، کسانی هستند که می‌خواهند امر به معروف و ناهی از منکر باشند، اما نه معروف را می‌شناسند، نه منکر را و نه اصلاً روش این کار را بلدند. افرادی هم که دلسوزان واقعی جامعه و آگاه به این امور هستند، چون ارزش‌ها و مفاهیم در جامعه و نزد همین افرادی که فکر می‌کنند امر و ناهی هستند، تغییر کرده است، منزوی می‌شوند، کسی به حرف‌های آن‌ها توجه نمی‌کند و در نتیجه، کار می‌افتد به دست همین افرادی که هیچ نمی‌دانند. «امیر مؤمنان (ع) در خطبه ۳۲ چه زیبا می‌فرماید که «إِنَّمَا النَّاسُ، إِنَّمَا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي ذَهْر عُتُوٍّ، وَزَمَنٌ كُنُوذٌ، يُعَذِّبُهُ الْمُحْسِنُ مُسْبِئًا...»؛ ای مردم! ما در روز کاری زندگی می‌کنیم که روزگار منحرف و ناسپاسی است؛ آدم‌های خوب و شایسته و نیکو کار را، گناهکار و منتهم فرض می‌کنند و مستمکران هر روز بر سر کنشی خودشان اضافه می‌کنند. کی این اتفاق می‌افتد؟ زمانی که ارزش‌ها تغییر کرده و مفهوم منکر و معروف، متغیر شده است. مردم نگاه می‌کنند ببینند آن‌چه می‌گوین با سلیقه و رأی آن‌ها مطابقت دارد یا نه؟! اگر داشت، تو آدم خوبی هستی و در غیر این صورت، خیر! از آن طرف، ما با مشکل آدم‌های «معروف ناشناس» هم روبه‌رو هستیم. این‌ها مصداق سخن امام علی (ع) در خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه هستند؛ حضرت می‌فرماید: «فَإِنَّ الْعَالَمَ بَعِثَ عِلْمَ كَالسَّائِرِ عَلَي غَيْرِ طَرِيقٍ»، این علمان بدون دانش، مانند کسانی هستند که حرکت می‌کنند، اما در جاده راه نمی‌روند! چنین آدمی، هر چه جلوتر برود، از مقصد دورتر می‌شود. این هم در دسر بزرگی است که کار دست آدم‌هایی بیفتد که به قول سعدی، جای کمبه، به تر کستان می‌رسند! آدم‌هایی که اتفاقاً شور دارند، اما آگاهی‌شان کامل نیست و بیش از آن که کار راه بیندازند، معضل هستند. «امیر مؤمنان (ع) در یکی از حکمت‌های نهج‌الایلاغه می‌فرماید: «قَصَمَ ظَهْرِي زُجْلَانَ عَالِمٌ مُتَهَنِّكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَبِّكٌ»، دو گروه کم‌رأ شکستند؛ این‌ها ظاهراً خودی هستند، هستند، حضرت نمی‌فرماید «معاویه»، می‌فرماید «جاهل مُتَنَبِّكٌ»، یعنی نادانی که شور مذهبی دارد، احساساتش خیلی بالاست ولی با اساس و منظومه دین آشنا نیست. او فقط متنسک است، متنسک یعنی کسی که به ظواهر مذهبی پایبندی زیادی دارد. البته این پایبندی در جای خودش خیلی خوب است، ولی دین که فقط این ظواهر نیست. اگر دین را مثل یک ساختمان فرض کنید، این ظواهر مثل ستون‌ها و لامپ و لوستر آن، ابتدا باید پایه و اسکلت را محکم کرد. این گروه، یعنی افراد نادان پر شور، این پایه محکم را ندارند، از نقشه جامع دین چیزی نمی‌دانند. از آن طرف، «عَالِمٌ مُتَهَنِّكٌ» هم معضل بزرگی است؛ این‌ها عده‌ای هستند که آگاه‌اند اما تقوا ندارند، سیاست‌باز هستند، دنبال منافع خودشان می‌روند، به مصالح اجتماع فکر نمی‌کنند و به هر موضوعی، از درِچه منافع خودشان می‌نگرد. این‌ها هم معضل بزرگی هستند.

نکته سوم: زمان شناسی

در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، زمان شناسی یک اصل بسیار مهم است؛ هم مهم و هم پیچیده. شما باید بدانید که در حال حاضر تکلیف چیست؟ این که تشخیص بدیم باید از میان معروف‌ها، سراغ کدام یک برویم، کار ساده‌ای نیست، واقعاً پیچیده است. از امام صادق (ع) روایتی داریم که می‌فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْاِوَابِسُ»؛ از آن روایت‌های کلیدی است، مخصوصاً برای عرصه امر به معروف و نهی از منکر، کسی که آگاه به زمانه خودش، یعنی زمان شناس باشد، فضای جامعه را بشناسد و مشکلات روز را بداند، در معرض هجوم شبهات قرار نمی‌گیرد. یعنی اگر کسی دین را بشناسد و تقواها داشته‌باشد، ولی زمان شناس نباشد، در تشخیص گجیح می‌شود، گیر می‌کند. گاهی دشمن می‌آید و نقشه‌ای را طراحی می‌کند که به نظام اسلامی ضربه بزند، بر نامه دقیق دارد، یک برنامه پیچیده که روی آن کار شده است، این‌جا زمان شناسی به کار مؤمن می‌آید؛ باید آرایش میدان را بشناسد و این امر، به شناخت زمان خود است، ممکن می‌شود. آدم زمان‌شناس، رفتار، توام با عقلانیت دارد؛ به پیامدهای اعمال و تصمیماتش فکر می‌کند. آدم زمان‌شناس، دشمن‌شناس هم هست، ارزش‌های حاکم بر جامعه را هم می‌شناسد، با افکار مردم آشناست و می‌داند آن‌ها چه ذهنیتی دارند. به همین دلیل، هنگام بروز رویدادها و تراجم‌ها، تصمیم دقیق می‌گیرد و نمی‌گذارد دشمن نقشه‌اش را عملی و از این موقعیت سوء استفاده کند.

اندیشه



امام (*) مخالف

حمله‌کنندگان به بدحجاب‌ها بودند

سلیقه امام (ر ضوان... علیه) هم عیناً همین بود. نه این که خیال کنید سلیقه [من است]، نخیر، سلیقه امام عیناً همین بود. بنده دارم به شما عرض می‌کنم، خبر می‌دهم. البته شواهد هم هست؛ در سال ۶۴ که همین آقای ناطق‌نوری وزیر کشور بودند، من یادم نمی‌رود در همین شبایان‌ها، یک عده‌ای از جوان‌ها بودند که حمله می‌کردند به بدحجاب‌ها! امام، مکتوب نوشتند به ایشان که بروید و این جوان‌هایی که حمله می‌کنند به بدحجاب‌ها، بگیرید، بزنید، زندانشان کنید، حبس‌شان کنید؛ امام مخالف بود؛ در حالی که امام، آن مرد شجاع و بی‌نظیری بود که مسئله حجاب را به این کشور بر گرداند. هیچ‌کس دیگر نمی‌توانست غیر از امام [این کار را] بکند؛ این هم یکی از اختصاصات امام. اگر غیر از امام هر کس دیگر بود از همین آقایان بزرگان، مقدسین، علما و مانند این‌ها، هیچ‌کس جرئت نمی‌کرد بگوید که باید با حجاب بیرون بیایند. امام در همان ماه‌های اوّل پیروزی انقلاب گفت باید با حجاب بیایند. این همان امام است؛ اما در عین حال با آن روش مخالف بود و ایستادگی کرد و گفت [برخورد کنید]؛ که آن وقت بچه‌های کمبته‌دکن جلوه‌این [افراد را گرفتند]. آن‌ها هم [البته] بچه‌های حزب‌اللهی بودند، منتها نمی‌فهمیدند کار را، اشتباه می‌کردند. بنده هم موافق نیستم با این جور زدن و از این قبیل. بچه‌های خوب، بچه‌های مؤمن، بچه‌های صادق، بچه‌های سالم، بچه‌های خوش‌فکر، خوش‌دل، گاهی اشتباه می‌کنند راه را؛ باید شماها توجه داشت باشید. یک نفری یک حرف بی‌ربطی دارد این‌جامی‌زند، خیلی خب، وقتی که حرفش تمام شد، شما حالا یا در همین جلسه وقتی حرف او تمام شد، بلند شوید، مطلقاً، صحیح حرف‌تان را بزنید، یا بگویید که نخیر، عجله هم نداریم، شما گفتید، خب، بساط را جمع کن برو. بنده بعد از شما، دو روز دیگر، سه روز دیگر، می‌آیم همین‌جا یا جایی دیگر اعلام هم می‌کنم، مطلقاً نه‌در می‌کنم حرف شمارا؛ این جوری بگویید. بگذارید جوان صاحب شوق و تشنه‌فهم، حقیقت و حرف حساب را بشنود از شما؛ نگوید که خب معلوم شد این‌ها حرف ندارند؛ آن‌ها هم یک چیزی می‌گویند، حالا برویم ببینیم چه می‌گویند؛ اقلاً برای تماشا آن‌جا برویم؛ و دور آن‌ها را گرم کنند. نباید بگذارید.

فر از هایی از بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران / ۱۴ اسفند ۱۳۷۶

نکته ششم: دو صد گفته چون نیم کردار نیست!

در امر به معروف و نهی از منکر، کار عملی، بسیار مهم‌تر از کار لسانی و زبانی است؛ آیا در روایت نخوانده‌اید که امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»؟ (کافی، ج ۲، ص ۷۸) وقتی سوء تفاهم بالا می‌گیرد و زیاد می‌شود، عمل خیلی مهم است. شما اگر در محله خودت، در میان مردم رفتار خوب و خدا پسندانه داشته باشی، معتمد و محل احترام مردم می‌شوی و آن وقت، هنگامی که امر به معروف یا نهی از منکر می‌کنی، حرف‌تان را قبول می‌کنند، هر چند که عمل، هنوز مقدمه است و این کار قرار باشد وارد فریضه امر به معروف و نهی از منکر بشود، باید یاد داتان باشد که رسول خدا(ص) فرمود: «كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ» (کافی، ج ۱، ص ۲۳) شما با زبانی که طرف متوجه بشود، باید منافع حجاب را برای وی بازگو کنید و با همه نمی‌توان بایک ادبیات سخن گفت. باید مردم قدر و فایده این اقدام شما را بفهمند و بدانند.

نکته هفتم: مخاطب شناسی

در امر به معروف و نهی از منکر، باید مخاطب را شناخت. او در چه فضایی قرار دارد؟ خیلی وقت‌ها ما به این موضوع مهم توجه نمی‌کنیم. «امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَسْرَعَ إِلَى النَّاسِ بِمَا يَكْرَهُونَ، قَالُوا فَيَهْ بِمَا لَا يَكْرَهُونَ» (حکمت ۳۵) اگر می‌خواهی چیزی را به مردم بگویی که خوششان نمی‌آید، تندرو و تحمل‌را بالا ببر، همه آدم‌ها احترام را دوست دارند، اول باید طرف بداند که تو خیر او را می‌خواهی و دوستش داری. از روی دلسوزی حرفی می‌زنی. از خود او بدت نمی‌آید، از کارش بیزار ای. این خیلی اثرش بیشتر است تا آن که کاسه ماست را روی سر مردم خالی کنی! امام (ع) می‌فرماید که اگر تند بروی، مردم درباره تو چیزهایی را می‌گویند که نمی‌دانند، یعنی به تو تهنیت خواهند داد. قوم لوط مرتکب عمل زشتی می‌شدند، به تو تهنیت می‌امیر آن‌ها باین عمل چگونه برخورد می‌کند- الحمدلله، ساحت جامعه ما از این بلایا مصون است؛ اما از آن جهت که در مثل مناقشه نیست، عرض می‌کنم- در قرآن کریم، خداوند وقتی داستان قوم لوط (ع) را روایت می‌کند، از زبان آن پیامبر الهی درباره عمل قوم وی می‌فرماید: «إِنِّي لَعَلَّيْكُمْ مِنَ الْقَالِينَ»؛ (شعرا- ۱۶۸) من دشمن عمل شما هستم، نه خود شما. من خیر و صلاح شمارا می‌خواهم.